

سید جمال،

آغاز گریبیداری مسلمین

و اخلاق ازوا طلبانه و گوشه گیرانه رواج پیدا کرده بود. پس از حمله مغول و در نتیجه تأثیرات سوء دربارهای فاسد و صوفی های منط و شبه علمای درباری، جامعه در سراسری سقوط و انحطاط قرار گرفته بود. حکومت ها تجزیه شده و در برابر هم موضع گرفته (نمونه بارز خصومت ایران و امپراطوری عثمانی در آن دوره است)، «ابتکار» از بین رفته، درهای «اجتهاد» بسته شده بود و بازیهای صوفیانه بمنزله وسیله ای برای تخذیر جامعه، رواج داشت. اعتقاد به خرافات جا یگزین اصول زنده و تحرک آفرین دین گردیده، مسلمانان از تعالیم اصیل و دستورات اسلام پرت شده و مذهب تنها در پوسته جامد و موروثی تقلیدی و بی مسئولیت و در محدوده رسوم عبادی و فردی مطرح گردیده و دیگر بعنوان یک رسالت، یک نظام زندگی و یک مسئولیت مطرح نمی شد، ریسمان خدائی از جنگ مسلمانان رهاگشته و آثار انحطاط همه جا هویدا بود.

از آغاز قرن نوزدهم تا پایان آن، غریبها چنان می پنداشتند که دوره شکوفائی اسلام برای همیشه سپری شده و در برابر تجدد سیاسی - نظامی و یورشهای فرهنگ، تفکر و نهادهای غربی، مکتب و فرهنگ اسلام در حال از هم پاشیدن است، ولی چنانکه «گب» خاطر نشان ساخته است:

آنان از پویائی و دینامیسم درونی اسلام غافل بودند. در این شرائط، (فرون - پویائی)، مکتب اسلام اندیشمند بزرگ و مجدد قرون اخیر سیدجمال الدین اسدآبادی را بوجود آورد که نقش بزرگی در ایجاد «انفجار آگاهی» در سطح جامعه ایفاء نمود و با اندیشه خود حرکتی آفرید و رنسانس تازه ای، و نهضت «بازگشت به خویشتن» را در سراسر جهان اسلام بوجود آورد و موجب تجدید واحیا و شکوفائی اسلام در صحنه سیاسی، اجتماعی و فکری گردید.

البته پیش از سیدجمال یا همزمان با او نیز

قرن هیجدهم و نوزدهم، عصر گسترش استعمار سیاسی - نظامی غرب در جهان اسلام و دوران انحطاط و رکود و جمود کشورهای اسلامی بوده است.

در قرن نوزدهم استعمار غرب سایه تنوم خود را در سراسر جهان اسلام گسترده بود. قدرتهای استعماری بر اکثر کشورهای مسلمان مسلط شده بودند. انگلیس شبه قاره هند و بسیاری از مناطق خاورمیانه و برخی از کشورهای آفریقائی را تصرف کرده، فرانسه در شمال و غرب آفریقا و نیز در آفریقا مرکزی مستقر گردیده، هلند قسمت عمده جنوب شرقی آسیای مسلمان نشین را اشغال نموده و روسیه نیز ملل مسلمان ولگا و کریمیا و داغستان و قلمروهای مسلمان نشین آسیای مرکزی را زیر یوغ اسارت خود در آورده و آلمان و اتریش با امپراطوری عثمانی یک رابطه نیمه استعماری داشتند و ایتالیا نیز برخی از قسمت های آفریقای شمالی و مرکزی را تحت تصرف خود در آورده بود.

همزمان با آن، استعمار فرهنگی نیز که خطرناکتر از استعمار نظامی - سیاسی بود، رو به توسعه نهاد و غرب از طریق روشنفکران وابسته و مسیونرها و خاورشناسان، در صدد برآمد مسلمانان را از شخصیت و هویت فرهنگی و تاریخی خود تخلیه و آنان را در مقابل فرهنگ و تمدن غرب چنان خیره و مبهوت و از خود بیخود نماید که به نادانی و حماقت مردم خویش و به پوچی فرهنگ و نهادهای اجتماعی خود، ایمان بیاورند و با بریدن از فرهنگ و تمدن خود، بصورت آدمک های سطحی و «بی ریشه» در آیند. بمنظور نیل بدین هدف، غریبها شبکه موسسه های آموزشی خود را در سراسر جهان اسلام ایجاد نمودند. در ایران «دارالفنون» بنیاد گرفت. در سال ۱۸۶۰ «مدرسه پروتستان» (دانشگاه آمریکائی بیروت) بوسیله آمریکائیان و در سال ۱۸۷۵ «مدرسه یسوعیه» (دانشگاه سن ژوزف) بوسیله فرانسویان در سوریه و بیروت



تاسیس گردید. در سال ۱۸۷۸ «مدرسه فورت ولی» در کلکه (هند) بنیادگذاری شد. هدف عمده تمامی این موسسات گسترش آیدمار فرهنگی در جهان اسلام و از بین بردن ارزشهای سنتی بود.

ولی علت اصلی (که چگونه و چرا غرب توانست کشورهای اسلامی را زیر یوغ استعمار سیاسی، نظامی و فرهنگی خود در آورد)، را، بیدار شدن شرائط داخلی جهان اسلام جستجو کرد. در این دوره، جامعه و فرهنگ و تمدن مسلمانان، دچار انحطاط و رکود و جمود گردیده، «ایمان» و «عقیده» و تعهد زنده به اسلام بعنوان آیدبولوژی سیاسی - اجتماعی به بوته فراموشی سپرده شده

مصلحین بزرگی در جهان اسلام قد علم کرده بودند. عثمان دان فودیو در شمال آفریقا، شاه ولی الله در هند، سنوسی در لیبی و... تلاشهایی در جهت بیدارسازی مسلمین بعمل آورده بودند ولی تردیدی نیست که سیدجمال برای نخستین بار این «صداهای متفرقه» را بصورت یک «نهضت» درآورد و در شکست نقشه های استعمار نقش کلیدی ایفاء نمود.

ما میتوانیم تاثیر شگرف سیدجمال را در سه زمینه پیگیری کنیم.

الف: در شکستن طلسم غرب زدگی فرهنگی و «بازگشت به خویش»

ب: در خاتمه دادن به استعمار سیاسی - نظامی غرب

ج: در شکستن جمود و رکود و ایجاد رنسانس فکری اسلامی

اینک ما بطور مجمل به این زمینه ها اشاراتی میکنیم:

سیدجمال نخستین کسی بود که در برابر گسترش غربزدگی و استعمار فرهنگی و یورش بیرحمانه استعمار سیاسی غرب، ملل مسلمان را هشدار داد و بسیج کرد و در همین حال مسلمانان را فرا خواند تا افکار و عقائد خود را از خرافات ضداسلامی پاک کنند و به «اسلام محمد» و قرآن برگردند. اما ماهیت استعمار و شیوه های رنگارنگ و پرفریب آنرا به مسلمانان شناساند و در صدد تشکیل جبهه سراسری مسلمانان جهان برآمد (۱).

اندیشه های فرهنگی سیدجمال در مقابل عقائد غریزه هایی چون «سرسید» قرار داشت. اگر سرسید از اصلاح دین سخن میگفت،

سیدجمال مسلمانان را از فریب کاری برخی مصلحان و خطرات افراد غریزه برحذر میداشت، و اگر «سرسید» ضرورت فراگرفتن اندیشه های نو را برای مسلمانان تاکید میکرد. سیدجمال بر این موضوع اصرار داشت که اعتقادات دینی بیش از هر عامل - دیگر افراد انسان را به رفتار درست رهنمون میشود. در رساله «رد نیچریه» که علیه غریزدگان نوشته شده است سیدجمال به این نتیجه میرسد که تنها دین میتواند ملت ها را از

جواب این پرسش که چرا با داشتن یک مکتب پویا چون اسلام ملت های مسلمان عقب افتادند و از غرب شکست میخورند، عامل شکست و جمود را در اعتقاد «چیرمآبادی» و دوری از عقائد و کوشش میداند و میگوید:

«در حالیکه اسلام دین عمل و اندیشه است و قرآن گفته است: از الله لایغیر» و در حدیثی دیگر و اما بانفسهم» و در پیشش که ما را از انحطاط در جوامع اسلامی رواج دادند فاقد

سیدجمال مستقیماً یا با دوسه، واسطه پایه گذار تداوم نهضتها احزاب

و سازمانهای اسلامی بوده، که در اواخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن

بیستم پرچم جنبش اسلامی را در جهان به اهتزاز در آوردند.

پویان بوده است. سیدجمال نخستین بار مسلمانان را به بازسازی و تجدید تفکر خود و مبارزه با سنن نامعقول و غیر اسلامی فرا خواند.

در شماره های مختلف مجله عروة الوثقی که سیدجمال از پاریس منتشر میکرد، می کوشید با روحیه نومیدی مسلمانان مبارزه کند و آنان را از اعتماد به نفس برخوردار سازد.

در همین حال سیدجمال یک جهاد گسترده فکری و تبلیغاتی را علیه استعمار و بخصوص استعمار انگلیس برآه انداخت و دست به افشاگری زد. سیدجمال در سراسر زندگی میکوشید مسلمانان را در مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی و استثمار اقتصادی

گزند «نیچریان» (فلسفه های غریزه) در امان دارد و انسان را خوشوقت سازد و هیچ دینی مانند اسلام بر اساسی محکم و متقن قرار نگرفته است (۲).

سیدجمال برای اثبات این مطلب نشان میدهد اسلام همه شرائطی را که برای پیشرفت ملتها و احراز سعادت در دنیا و آخرت لازم است دارا است.

ولی اسلامی که سیدجمال از آن سخن میگوید اسلام اصیل قرآنی است و نه اسلام مسخ شده، او در صدد برمی آید تفکر دینی توده ها را اصلاح کند و آنان را به اسلام اصیل برگرداند. اسلامی که زنده و پرتکاپو و آموزنده و نکوهشگر تسلیم و انزواطلبی است. او در

دورماو خانه پیری سید جمال الدین استنبادی

پرتال جامع علوم انسانی



بابام...

اما! از اونا شنیده که تو هر روز به پزشکی قانونی میری تا اجازه منوبگیری دیگه نتونستم تحمل بکنم. اخه من سرباز شما هستم فاطمه من فلج شدم. دیگه کاری از دست من برسی باد. من نیافت شهادت را داشتم. نمیدونم چرا خدا منو برای شهادت انتخاب نکرد. حتما بنده بد خدا بوده. حتما خدا بیزار بود که در گاهش بره و به طرف اون برگردد.

- نه عبدالله. راد تو همون راهیه که شهدا رفتند و نازه شاید بزرگتر از اون راد باشه.

عبدالله تو رسالت خودت را انجام دادی و حالا نوبت منه و شاید من رو سیاه از این طریق بتونه به خدا نزدیک بشم. عبدالله از امروز به تو افتخار میکنم به راه تو. به ایدو تو. به وجود تو افتخار میکنم. عبدالله میگن جای خدا توی دلهای شکسته ست. خدا دلهای شکسته رو شاد میکنه. اون دلهایی که همیشه با خدا هستند و همیشه دست نیازشون رو به طرف خدا دراز میکنن. خدا روشکر که باز اسمال در کنار هم هستیم. ما وقتی به تو نگاه میکنم. بیاد خدا می افتم.

عبدالله ما سال نور و با صبر و استقامت آغاز میکنیم و به اراده خدا میبندیم و از او میخواهیم که به ما توانی بده که برای نابودی ظلم بجنگیم و عید ما هم روزیه که از ظلم توی جهان اتاری نباشه. عید ما روزیه که همه باهم برادر باشند. عید ما روزیه که انقلاب بزرگ مهدی (عج) شروع بشه و همه تحت لوای او خدا را بندگی کنیم و تمام وجودمان را به کسی هدیه کنیم که سستی ما ز هستی اوست

ملا...

خاموش کنه؟

هدایت نیروهای حق را احکام و قوانین الهی بعهده دارند. و نابودی باطل را نیز «سنت الله» تضمین کرده است. که ان الباطل کان ذوقا» و بدین گونه خداوند «امر جاری» خود را از طریق قوانین عام حاکم بر جامعه و تاریخ و تمامی پدیده های نظام «وجود» به منصفه ظهور می گذارد. باشد که بادرک عمیق قانونمندی های

الهی از راه یافتگان باشیم. «والسلام»

- (۲) رجوع کنید به «مترفین سوداگران ضد توحید»
- (۳) - مجمع البیان جلد ۴ ص ۴۳۲
- (۴) - مجمع البیان جلد ۴ ص ۴۳۱
- (۵) - المیزان جلد ۸ ص ۱۸۰
- (۶) - به مقاله «مترفین سوداگران ضد توحید» مراجعه کنید.

(۱) - البته این به آن معناییست که دعوت انبیاء فقط برای مستضعفین بوده که پیام نذیران خداوند. «للعالمین» است و نه فقط نیروهای حق را مستضعفین تشکیل می دهند. بلکه عناصری که از موقعیت اجتماعی خویش دست کشیده و به پیامبران پیوسته اند نیز درجه حق جوینانند.

طوفان شکننده...

قبلا حتی امکان آگاهی از آنها هم نبود. مردم ایران از جانب خودشان هر روز نسبت به این وضع خوش بین تر می شوند و در باره وضع آینده در مورد میزان و وضع قدرتها در منطقه اظهار خوشحالی و سرور می کنند. و حتی قبل از پیروزی نهایی خود را بیگانه

قدرت بزرگ خلیج (فارس) به حساب می آورند. و تمام نشانه ها و آثار جنگ گویای این مسئله می باشد. این اوضاع به مرحله دشواری رسیده است و کشور عربستان سعودی در حالیکه کاملا به پشتیبانی خود از عراق ادامه میدهد سعی در

جلوگیری از پیش آمد حوادث ناگوار آینده دارد و ایران نیز به نوبه خود همچون گذشته اصرار بر ادامه جنگ دارد. تا پیروزی کامل خود را بدست آورد. این اتفاقات و حوادثی بود که تا الان در منطقه جریان داشته و ما منتظر می مانیم تا ماههای آینده ما را از نتایج دیگری مطلع سازند.

سیدجمال، آغازگر....

قوی دل سازد و تاکید داشت که اگر مسلمانان وحدت کلمه و اتحاد پیدا کنند پیروزی از آن آنها است.

او تاکید زیادی بر فریضه جهاد داشت و خاطر نشان می ساخت که در برابر قدرت هایی که مصمم به نابودی اسلامند راهی جز توسل به زور و جور ندارد. (۳)

با این گونه ایده های انقلابی سیدجمال آغازگر طرز تفکری بود که در سراسر جهان

اسلام گسترش یافت و بصورت یک جنبش سراسری درآمد و سرانجام استعمار را مجبور به عقب نشینی کرد و موج خطرناک غربگرانی فرهنگی را نیز فرو نشاند و اسلام اصیل را مجددا شکوفا ساخت که سرانجام این روز به انقلاب شکوهمند اسلامی ایران منجر گردیده است. تعالیم سیدجمال منجر به قیام مسلحانه «اعرابی پاشا» در مصر، «مهدی» در سودان، «جنبش تنباکو» در ایران علیه استعمار غرب شد.

سیدجمال مستقیما یا ب دو سه واسطه پایه گذار تمامی نهضتها، احزاب، و سازمانهای اسلامی بوده که در اواخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم پرچم جنبش اسلامی را در جهان باهتزاز در آورده اند. او را براستی باید «مجدد قرن» نامید.

- (۱) حمید عنایت: سیر اندیشه عرب ص ۸۶
- (۲) حقیقت مذهب نیجریه نوشته سید جمال ص ۴۸
- (۳) عروة الوثقی: ص ۲۴۳ (۱۳۲۷)

جهاد